

راهبردهای معرفتی تربیت اخلاقی منتظران (با تأکید بر آیات و روایات)

زهرا قربان خانی^۱

علی غضنفری^۲

چکیده

تربیت اخلاقی، از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در تمام اعصار است و نقش بسزایی در سلامت روان و سعادت انسان دارد؛ به همین سبب، یکی از مهم‌ترین اهداف آموزه‌های دین، تربیت اخلاقی و آراسته شدن افراد به آن است و پیامبران الهی برای همین هدف گسیل شده‌اند. این مسئله در عصر غیبت و درمورد منتظران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له اهمیت بالایی دارد و در واقع زمینه‌سازی ظهور را فراهم می‌کند. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، به ارائه راهبردهایی در حوزه معرفتی می‌پردازد. نتایج به دست آمده از پژوهش، حاکی از آن است که تربیت اخلاقی در دوران غیبت با تکیه بر حیطه شناخت، نقش انسان‌سازی را دارد؛ زیرا حوزه شناخت در زندگی منتظران، اهمیت بسزایی دارد. منتظران به دلیل شور و شوق و محبتی که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه له دارند به سوی آن حضرت گرایش یافته، اطاعت حضرت را سرلوحه امور زندگی خویش قرار می‌دهند که خود این اطاعت، از بینش درست آن‌ها به وجود امام و جایگاه ایشان در نظام هستی ایجاد می‌شود. نتیجه چنین بینشی رسیدن به کمالات اخلاقی و سعادت در دنیا و آخرت است.

کلیدواژگان: تربیت، تربیت اخلاقی، منتظران، ظهور، امام عصر عجل الله تعالی فرجه له.

مقدمه

تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشر است. تربیت، نه تنها لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی است؛ بلکه انسان در پرتو تربیت صحیح می‌تواند موجودی هدفمند و اندیشه‌ور بوده، به اهداف و آرمان‌های خود دست یابد و قله رفیع سعادت را فتح کند. انسان برای پیمودن راه سعادت و بندگی، نیازمند الگوهای مطمئن در عرصه عمل است. تنها معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام از گوهر عصمت و مصونیت از گناه برخوردارند و بهترین و مطمئن‌ترین الگوی تربیتی می‌باشند. با وجود تلاش بسیار پیامبران برای تربیت اخلاقی مردم و به‌کاربردن راهکارهای متعدد برای این منظور، تاکنون نه تنها تربیت اخلاقی به نحو کامل محقق نشده است؛ بلکه بسیاری از رذایل اخلاقی در جوامع بشری رواج یافته و ارزش‌ها و هنجارها، جای خود را به ضد ارزش‌ها و ناهنجارها داده‌اند. این مسئله در عصر غیبت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ از اهمیت بسزایی برخوردار است. عصر حاضر، عصر سرگستگی و ابتلای انسان‌ها به بحران‌های اخلاقی است؛ از این رو ارائه راهبردهای معرفتی با هدف ارزش‌های بنیادین برای تربیت اخلاقی منتظران در عصر غیبت راهگشا است. منتظران با تکیه بر نظام تربیتی مهدوی و بهره‌گیری از این نظام در حوزه معرفتی به تقویت بینش خویش درمورد امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ می‌پردازند و این معرفت به جهت‌گیری درست در زندگی منتظران می‌انجامد و آمادگی برای ظهور را در آن‌ها ایجاد می‌کند.

تربیت اخلاقی از دیرباز ذهن اندیشه‌ورزان را به خود مشغول کرده است. آن‌ها تحقیقات فراوانی در این زمینه انجام داده‌اند؛ اما در چارچوب موضوع مورد نظر، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. درباره اخلاق منتظران، مقالات و پژوهش‌های گوناگونی وجود دارد؛ از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مقاله «نقش معرفت به امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ در تعالی اخلاقی منتظران و زمینه‌سازی ظهور» اثر آقای رضا نوروزی، مجله پژوهش‌های مهدوی (۱۳۹۳): نویسنده راهکارهای اخلاقی و معنوی را به صورت جداگانه بررسی کرده است. پژوهش از جامعیت لازم برخوردار نمی‌باشد و به برخی از راهبردها اشاره‌ای شده است؛

۲. مقاله «آموزه‌های تربیتی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در زمینه اخلاق مهدوی» نوشته علی نقی فقیهی،

مجله پژوهش‌های مهدوی (۱۳۹۳). نویسنده در این اثر به بررسی ویژگی‌های اخلاقی امام در بعد فردی و اجتماعی، و در ادامه به ویژگی‌های یاران حضرت می‌پردازد؛ اما به تربیت اخلاقی و روایات مرتبط با این موضوع پرداخته نشده است؛

۳. مقاله «راهکارهای تربیت اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در آموزش و پرورش» نوشته علی نقی فقیهی، رضا جعفری هرندی، ملیحه بادی، فاطمه سادات بیطرفان، مجله پژوهش‌های مهدوی (۱۳۹۳). این مقاله به بررسی تربیت اخلاقی در بعد گرایشی و رفتاری می‌پردازد و از بعد معرفتی که زیر بنای تربیت اخلاقی می‌باشد، غفلت شده است. این مقاله، به راهبردهای تربیت اخلاقی در حوزه معرفتی و با ذکر آیات و روایات مرتبط با هر عنوان پرداخته و راهبردهای معرفتی تربیت اخلاقی منتظران قبل از ظهور را بررسی کرده است. همین مسئله این اثر را از سایر تألیفات متمایز می‌سازد.

۱. مفهوم‌شناسی

نخستین گام مقدماتی در مفهوم‌شناسی، آگاهی از معنا و مفهوم واژه راهبرد، تربیت، اخلاق، تربیت اخلاقی و انتظار است، تا مرز معنای این واژه‌ها از دیگر واژه‌های مشابه یا مترادف به درستی باز شناخته شود.

واژه «استراتژی»^۱ که در فارسی به «راهبرد» ترجمه شده، دست‌یابی به هدفی معین است^۲ و به معنای برنامه، سیاست، نقشه، تدبیر، فرماندهی و اقدام‌های سازمان یافته برای رسیدن به هدف می‌باشد.^۳

راهبرد در اصطلاح، روش یا سیاستی کلی برای نیل به مقصود، هنر طراحی تعیین خط مشی کلی، هنر توسعه و به‌کارگیری بهتر امکانات در راستای نیل به اهداف اساسی در مقابل دیگران است.^۴ راهبرد، راه و روش رسیدن به اهداف بلندمدت و حیاتی است. موضوع استراتژیک و

1. Strategy

۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۳۵۶۹.

۳. صدری، فرهنگ فارسی امروز، ج ۱، ص ۵۸۸.

۴. آقابخشی و افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۰۰.

راهبردی، موضوعی است که جنبه حیاتی دارد؛ یعنی در استمرار شاخصه‌های حیات تأثیر عمده دارد و معمولاً در محیط رقابتی، اهمیت خود را نشان می‌دهد.^۱

با توجه به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی، راهبرد به معنای استفاده از امکانات برای برنامه‌ریزی به منظور رسیدن به هدف معین است. راهبردهای معرفتی به آن دسته از راهبردها اطلاق می‌شود که به حوزه شناخت مربوط می‌باشد؛ به عبارت دیگر، استفاده از امکانات برای رسیدن به هدف در حوزه اعتقادی و بینش می‌باشد.

واژه تربیت، تغییر و تحول تدریجی رو به کمال است.^۲ علامه مصطفوی نیز پس از بررسی نظر اهل لغت، تربیت را به معنای تورم همراه با زیاد شدن دانسته است.^۳

تربیت در اصطلاح، به معنای کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا ساختن آن‌ها بیان شده است.^۴ تربیت یک جریان مستمر تدریجی و زمانمند است.^۵ تربیت پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی‌ای است که بالقوه در یک شیء موجود می‌باشد.^۶ بنابراین تربیت، فعالیتی هدفمند و فرایندی مستمر و منظم است که به منظور فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن استعدادهای فطری انسان در راستای رشد در جنبه‌های مختلف عاطفی، اخلاقی، رفتاری و... به کار می‌رود.

کلمه «اخلاق» جمع «خُلُق» و «خُلُق» به معنای سرشت، سنجیه و طبیعت است.^۷ راغب اصفهانی «خُلُق» و «خُلُق» را یکی می‌داند؛ این در حالی است که واژه «خُلُق» مخصوص اشکال و اجسام و صورت‌هایی است که با حواس، درک می‌شوند و «خُلُق» ویژه قوا و سجایایی است که با

۱. واسطی، نگرش سیستمی به دین، ص ۴۳.

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۳۶.

۳. مصطفوی، التحقیق، ص ۳۵.

۴. گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۱۶۷.

۵. سیف، تغییر رفتار و رفتاردرمانی نظریه‌ها و روش‌ها، ص ۳۵.

۶. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۵۵۱.

۷. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶.

فطرت و چشم دل درک می‌گردند.^۱

«اخلاق» در اصطلاح، به صفاتی گویند که در جان آدمی ثابت، پایدار و راسخ شده است و رفتار متناسب با آن به سهولت صادر می‌شود و در علم اخلاق به ملکه در مقابل حال که صفت و حالتی زودگذر می‌باشد، تعبیر می‌شود.^۲ علامه طباطبایی کلمه «خلق» را به معنای ملکه نفسانی بیان می‌کند که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سر می‌زند؛ حال چه اینکه آن ملکه از فضائل باشد (مانند عفت و شجاعت و امثال آن) و چه از رذائل باشد (مانند حرص و جبن و امثال آن)؛ ولی اگر مطلق ذکر گردد، فضیلت خلق نیکو از آن فهمیده می‌شود.^۳ باتوجه به معنای لغوی و اصطلاحی ارائه شده می‌توان گفت: اخلاق،^۴ علمی است که صفات خوب و بد و ریشه‌ها و آثار آن و همچنین شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب (فضایل) و شیوه دوری و اصلاح صفات نفسانی بد (رذایل) را بیان می‌کند.

تربیت اخلاقی، فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل و از بین بردن رفتارها، صفات و آداب غیراخلاقی در خود یا دیگران است.^۵

انتظار به معنای برگرداندن چشم، با بصیرت برای درک شیء و رؤیت آن می‌باشد و چه بسا مراد از آن تأمل و تفحص از چیزی باشد و گاهی مراد شناختی است که بعد از فحوص حاصل می‌شود.^۶ و یا به معنای درنگ در امور و چشم‌انتظاری می‌باشد.^۱

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ۲۹۷.

۲. شبیر، الاخلاق، ص ۱۰.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۶۹.

۴. واژه اخلاق با توجه به حروف اصلی و اشتقاق خود، تداعی‌گر صفات پایدار و ملکات نفس است. استعمال این واژه، ارزش و تعالی انسان است که در باورها، خواست‌ها، صفات، رفتارها و گفتارها موضوع دارد؛ یعنی در ترسیم سیمای انسان اخلاقی متعالی، این امور در نظر گرفته می‌شود و توصیه‌هایی بیان می‌گردد؛ به این ترتیب این واژه، تنها یک عنوان مشیر است و رابطه آن با ریشه و ماده کلمه همه جا مورد نظر نیست.

۵. همت بناری، تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن، ص ۱۷۱.

۶. راغب اصفهانی، همان، ص ۷۶۴.

در فرهنگ مهدویت، «منتظر» به انسانی گفته می‌شود که با تمام وجود، در انتظار آمدن آخرین حجت الهی به سر می‌برد.^۲ انتظار، امید به آینده‌ای روشن و رشدآفرین است که به همه نیازهای روحی و جسمی انسان به‌طور کامل پاسخ می‌دهد و شادابی و پویایی بشر در طول دوران زندگی فردی و اجتماعی، مرهون نعمت امید و انتظار است؛ چرا که زندگی برای انسانی که به آینده امیدی نداشته باشد، مفهومی ندارد.^۳ بنابراین انتظار، حالتی روحی است که موجب آمادگی در انسان می‌شود. هرچه انتظار بیشتر باشد، آمادگی نیز بیشتر است.

الف. رابطه راهبرد و تربیت

واژه راهبرد را در فضای تربیت نیز می‌توان به کار برد؛ زیرا تربیت به‌وضوح نوعی حکمت و انتقال از وضعیت موجود به قله ارزش‌های مطلوب است و برای تحقق آن به طرح کلان و اهداف میانی نیاز است. بحث از راهبرد تربیت، اهداف واسطه‌ای و استراتژیک است که راهی به سوی غایت به شمار می‌رود و انسان را به بهترین صورت به اهداف عالی تربیت با توجه به نقاط مبدأ و مقصد نزدیک می‌کنند.^۴

۱. حیدری کاشانی، سلوک مهدوی، ص ۳۱.

۲. سلیمیان، فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۴۱۷.

۳. سلیمیان، پرسمان مهدویت، ص ۲۰۳.

۴. راهبرد را نباید با تکنیک اشتباه گرفت. راهبرد عبارت است از: برنامه‌ریزی برای به‌کارگیری امکانات؛ اما تکنیک به روش بهینه، فن انجام کار، هنرها، مهارت‌ها و ابتکارها در اجرای فنی عملی گفته می‌شود (انوری، ج ۳، ص ۹۱۸۵). راهبرد نوعی مقصد است، نه روش و تکنیک. البته گاهی از کلمه روش در تعریف راهبرد استفاده می‌شود؛ این بدین جهت است که اهداف میانی، مسیر رفتن به مقاصد اصلی و نوعی مقدمه و سبب در تحقق اهداف غایی را دارند (کریمی، مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک با تأکید بر رویکردهای تحولی، ص ۱۶۰). روش، عبارت از سبک، طریق، قانون و قاعده، رسم و آیین می‌باشد (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۲۳۷). پرهیز از آموزش کلامی موعظه‌ای و تلاش برای رشد اخلاق خود پیرو و مستقل در مقابل اخلاق دیگر پیرو و تبعی (دبیا، حکمت دینی و آسیب‌های کارآمدی آن در عرصه تربیت اخلاقی جامعه، ش ۶۷، ص ۶۱)؛ بنابراین شیوه‌ها و تکنیک‌ها هر قدر هم مؤثر و کارآمد باشند، الزاماً مصادق راهبرد نیستند.

ب. رابطه مهدویت و تربیت

مهدویت در اندیشه شیعی، یعنی اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قالب منجی جهانی که روزی ظهور خواهد کرد و نابسامانی‌ها را از پهنه جهان برخواهد داشت. همین باور، ابعاد گوناگونی دارد که بُعد تربیتی، از جنبه‌های مهم آن است. مهدی باوری، صرفاً مسئله‌ای اعتقادی نیست؛ بلکه تحولات گوناگون هیجانی، عاطفی، احساسی و رفتاری را در فرد ایجاد می‌کند و او را برای یابوری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا می‌سازد؛ چرا که یک منتظر واقعی، به لحاظ روحی و روانی هر لحظه آماده حرکت و قرار گرفتن در کنار حضرت است تا تحت فرمان آن بزرگوار، خدمت کند.^۱

رابطه مهدویت و تربیت، رابطه‌ای دو سویه است؛ از یک سو، تربیت صحیح زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که با پرورش نیروهای مخلص و معتقد زمینه قیام آن حضرت را فراهم می‌کند؛ از سوی دیگر با ظهور مهدی موعود، تربیت الهی و معنوی در عصر ظهور آن حضرت به بالاترین سطح خود می‌رسد و انحرافات اخلاقی به کلی از بین می‌رود؛ از این رو هم تربیت بر تحقق مهدویت کمک می‌رساند و هم مهدی باوری ضمن تأثیرات روحی و معنوی بر انسان -مانند: امیدبخشی، رفع اضطراب و نگرانی، ایجاد نشاط و شادابی و...- تربیت را در مسیر صحیح قرار می‌دهد.^۲

۲. راهبردهای معرفتی تربیت اخلاقی منتظران

قرآن، راهنمای انسان سازی است که عمل بر اساس آن انسان را به نتیجه مطلوب می‌رساند؛ بنابراین افزون بر راهنمایی، راهبری هم دارد. برای کشف راهبرد تربیت اخلاقی، باید به متعالی‌ترین منبع یعنی قرآن کریم رجوع شود. راهبردهای معرفتی به آن دسته از راهبردها اطلاق می‌شود که به حوزه شناخت مربوط است و در عصر حاضر اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا نسل منتظر باید به لحاظ اعتقادی و بینش‌های درست تربیت شود. وقتی باور انسان به خدا، امام و جایگاه ایشان در نظام خلقت تقویت شود، به عنوان الگو در عصر حاضر قرار گرفته و منتظران را از

۱. احسانی، زمینه‌سازی تربیتی مهدویت، ش ۱۶۰، ص ۷۳-۹۶.

۲. باقری، آسیب‌های تربیتی مهدویت در برترین فرهنگ مهدویت در مطبوعات، ص ۳۳.

انحراف مصون می‌دارد.

الف. معرفت به خدا

یکی از وظایف مهم بندگان در مقابل پروردگار که کلید تعالی انسان می‌باشد، معرفت به خدای تعالی است. با معرفت خدا همه فضایل در جان انسان شکل می‌گیرد و بی‌شک روشی که در همه شرایط و در همه حال ضرورت دارد، معرفت به اوست؛^۱ زیرا اساس و پایه بندگی، شناخت خداوند است. «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ»^۲ عالی‌ترین تبلور این معرفت، شناخت پیامبر اکرم ﷺ و اوصیای او است. بی‌گمان این معرفت زمانی به کمال می‌رسد که پیامبران الهی، به ویژه پیامبر خاتم ﷺ به خوبی شناخته شوند. این مهم نیز حاصل نمی‌شود، مگر با شناخت اوصیای او، به خصوص آخرین حجت الهی. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به اصحاب خود فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَةَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ... فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَيِّ أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَحِبُّ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُ»^۳.

بر طبق روایت مذکور، خداوند بندگان را جز برای شناخت نیافریده است و شناخت خداوند همان شناخت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشد؛ چرا که آن حضرت جلوه تام و تمام حق و آینه‌دار صفات جمال و جلال الهی است؛ پس هر کس که اراده خداشناسی دارد، چاره‌ای جز مهدی‌شناسی ندارد و خدا را تنها از منظر و نگاه معصوم می‌توان شناخت.^۴ در دعایی صادرشده از ناحیه مقدسه چنین آمده است: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي»^۵.

در این دعا لازمه شناخت خدا، شناخت پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام و لازمه شناخت پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام، شناخت

۱. حسینی تهرانی، رساله لبالب، ص ۳۶۸.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۲۱۲؛ ابن بابویه، التوحید، ص ۳۴.

۳. ابن بابویه، علل الشرائع، ج ۱، ص ۹.

۴. حیدری کاشانی، سلوک مهدوی، ج ۱، ص ۳۰.

۵. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۵.

امام و حجت دانسته شده است؛ بنابراین، اگر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخته نشود، پیامبر صلی الله علیه و آله و خدا نیز به درستی شناخته نخواهند شد و انسان در گمراهی و ضلالت خواهد بود. از سوی دیگر، در دوران غیبت باید شناخت خدا و رسول و امام را از خدا خواست و نباید به دانش و آگاهی خود در زمینه خدانشناسی و پیامبرشناسی و امامشناسی اتکا کرد و خود را از عنایات خداوند بی‌نیاز دانست؛ بلکه در هر حال باید به پروردگار توکل نمود و از خداوند درخواست شناخت کرد؛ در این صورت اگر برای کسی این معرفت به دست آمد، تأخیر ظهور مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف هرگز او را آزرده نمی‌کند.

بنابراین تنها راه ارزشمند و مؤثر در خصلت و رفتارهای پسندیده انسان که او را به منزلگاه سعادت می‌رساند، معرفت به خداست. وقتی هدف از خلقت، شناخت و معرفت خداوند باشد و شناخت خداوند همان شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، لازمه آن تربیت ایمانی و توحیدی منتظران است که در ادامه به شرح آن پرداخته می‌شود.

۱. تربیت ایمانی و توحیدی

مهم‌ترین پل ارتباطی و حلقه اتصال میان انسان (به عنوان موجود مستعد و جستجوگر کمالات و ارزش‌های مطلق) با خداوند (به عنوان حقیقت جامع کمالات و ارزش‌های بی‌نهایت) ایمان و توحید است که استعداد فضیلت‌جویی انسان را در مسیر صحیح شکوفا می‌سازد. این ایمان، اصلی‌ترین تکیه‌گاه اخلاق مورد نظر قرآن و عامل تحقق آن است؛ زیرا حس اخلاقی در انسان، ناشی از همین حس است و بدون ایمان و توحید، این حس درست و واقعی شکوفا نمی‌شود.^۱

محور قرآن کریم بر اساس ایمان به خدا و توحید می‌باشد. توحید، حقیقتی نفس‌الامری در عالم ثبوت است که انسان با آن، نسبت ایمانی و رابطه قلبی برقرار می‌کند. اگر مناسبت وجودی انسان با آن امر واقعی را در نظر بگیریم، ایمان نامیده می‌شود و اگر نگاه خود را مستقیماً به ظرف

۱. مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۱۰۷.

واقع معطوف کنیم، توحید نام خواهد گرفت.^۱ تربیت ایمانی همان تربیت توحیدی است و خدای متعال در مسیر هدایت بشر از راهبرد تربیت ایمانی یا تربیت توحیدی استفاده کرده است. از سویی بخشی از فطرت و خلقت انسان را حس اخلاقی تشکیل می‌دهد و با این هدف در وجود انسان تعبیه شده است که او از نقص به کمال راه یابد؛ از این رو شکوفایی درست حس اخلاقی، به گونه‌ای که به سعادت ابدی انسان بینجامد، بدون ایمان ممکن نیست و اخلاق بدون پشتوانه ایمان، هیچ اعتباری ندارد.^۲ ایمان به خدا و توحید، چکیده همه آموزه‌های دین است و از بسط و تفصیل آن، همه گزاره‌های دین به دست می‌آید و تلاش در ارتقای ایمان و معرفت توحیدی به رفع همه مشکلات و تأمین همه نیازهای انسانی می‌انجامد. همه فضایل اخلاقی به نحوی مولود مستقیم یا غیر مستقیم معرفت الله است. کسی که به قدرت بی‌کران خدا ایمان دارد و جز او دیگری را در عالم، صاحب اختیار و فرمان‌روا نمی‌شناسد، اگر این آگاهی به آستانه باور در وجودش برسد، بی‌تکلف در شمار متوکلان قرار می‌گیرد. آیت الله جوادی آملی در این باره می‌گوید: «چون همه کمالات اخلاقی نفس بر اساس توحید صحیح تنظیم شده، محور اصلی نزاهت روح را توحید ناب تأمین می‌کند».^۳

بر این اساس قرآن کریم در تربیت اخلاقی انسان از ایمان و توحید شروع می‌کند و با پدیدآوردن آن، ریشه و زمینه رذایل را می‌سوزاند. علامه طباطبایی درباره محوریت ایمان و توحید برای تعالیم قرآنی می‌نویسد: «توحید خدای تعالی اگر آن طور که لایق ساحت قدس و عزت و کبریایی اوست، در نظر گرفته شود، آن توحید در مقام اعتقاد و در مقام اخلاق، آدمی را متخلق به اخلاق کریمه‌ای از قبیل رضا، تسلیم و... و میرای از صفات رذیله می‌سازد».^۴

در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مؤمنان منتظر را برادران خود می‌خوانند و رمز آن را پابرجا ماندن بر حق و حقیقت عصر غیبت معرفی می‌کند. در همین رابطه می‌فرماید: «طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي

۱. عالم‌زاده نوری، راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم، ص ۱۳۹.

۲. مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۲۳۸.

۳. جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ص ۳۸۸.

۴. رک: طباطبایی، المیزان، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

غَيْبَتِهِ طَوَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِمْ أَوْلِيَّكَ وَصَمَّهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ». ^۱ امام صادق (ع) در تفسیر این آیه، «متقین» را شیعه امیرالمؤمنین (ع) و «غیب» را حجت غائب بیان می‌کنند. ^۲ ایمان منتظران در عصر غیبت دارای چنان اهمیتی است که به کسانی که در پیشگاه خداوند سود برده و رستگار شده‌اند، اطلاق می‌شود: «شیعتنا و محبونا عند الناس و عند الله راجحون، فازوا بالإيمان». ^۳ در روایتی دیگر سبب ایمان منتظران در عصر غیبت، یقین آنان بیان شده است: «أَنَّ لِقَاءَنَا مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَىٰ ... أَمَّا الْأُخْرَىٰ فَيَطْوُلُ أَمْدُهَا حَتَّىٰ يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ». ^۴

در عصر غیبت، منتظرانی که خدای تعالی از آنان عهد و پیمان ولایت گرفته و ایمان را در دل آنان نگاشته و با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد، به کمالات اخلاقی دست می‌یابند و ریشه رذایل در وجود آنان می‌خشکد: «مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَهْدَهُ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحِ مِينُهُ»؛ ^۵ از این رو خداوند می‌فرماید: «وَ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». ^۶

بنابراین ایمان و توحید، اصلی‌ترین و جدی‌ترین عامل تکامل است و اصلی‌ترین موضوع تکامل انسان، قلب و روح ملکوتی اوست و هدایت قلب به معنای دستیابی به همه فضایل است؛ فضایی که مولود مستقیم یا غیرمستقیم معرفت به خدا می‌باشد.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

۲. یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۹.

۴. ابن بابویه، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۴.

۵. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۵۲۶.

۶. تغابن، ۱۱.

۲. عبودیت خدا

پیامبران الهی پس از بعثت در اولین خطاب خود بر عبودیت^۱ تأکید ورزیده و راز فلاح و رستگاری انسان‌ها را در کلمه «لا اله الا الله» معرفی می‌کردند: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا». ^۲ در حدیث نبوی معروف «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۳ عبودیت، هدف خلقت انسان است. از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ نقل شده است که به شیعیان خود تعلیم می‌دهد در دعای خود از خداوند متعال این چنین بخواهند: «أَنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا خَلَقْتَ لَهُ وَلَا تَشْغَلَنِي بِمَا قَدْ تَكَفَّلْتَ لِي بِهِ وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ». ^۴ در قرآن کریم خداوند به این مهم اشاره می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُون»؛^۵ از این رو هدف، بندگی خدای سبحان است. اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به عبودیت برای خداوند اعتراف کرده‌اند. امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ می‌فرماید: «وَأَنَا وَجَمِيعِ آبَائِي مِنَ الْأَوْلِيَاءِ أَدَمُ وَنُوحٌ... إِلَى مَبْلَغِ أَيَّامِي وَمُنْتَهَى عَصْرِ عِبِيدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». ^۶

امامان معصوم هرچه دارند به سبب معرفت و قرب الهی و از عنایات خداوند است. بزرگ‌ترین مقام و منزلت پیامبران، عبودیت برای خدا می‌باشد که به آن نیز افتخار می‌کردند. وجود انسان با فطرت الهی سرشته شده است و استعداد خدایابی، خداپرستی و خدایی شدن را دارد؛ ولی در پرورش این استعداد و پیمودن مسیر تا خدا - یعنی فاصله پیدایش انسان تا کمال مطلق - نیازمند برنامه و مربی کامل است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرستش خداوند را به سبب اهل بیت بیان می‌کند و می‌فرماید: «بِنَا عِبِدَ اللَّهُ وَبِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَبِنَا وَجَدَ اللَّهُ تَبَارَكَ». ^۷ امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ در اهمیت

۱. «وَالِإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (اعراف، ۶۵)، «وَالِإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ» (اعراف، ۸۵).

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۴. عاملی، البلد الامین، ص ۳۹۷.

۵. ذاریات، ۵۶.

۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۷.

۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۳.

این موضوع می‌فرماید: «بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى»^۱ از این رو تقرب به سوی خداوند، فقط باید از راه امام معصوم باشد، تا به بیراهه و انحراف منجر نشود و امام معصوم در این عصر و زمان، کسی جز حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و وَجَاءَ الشَّرِيفُ نیست.^۲

منظور از عبادت، تنها کرنش و خضوع و رکوع و سجود نیست؛ بلکه مقصود، اطاعت و سرسپردگی کامل در اندیشه و عمل در برابر خدا و پیراستگی از همه رذایل اخلاقی و آراستگی به فضایل انسانی است که لازمه آن، پرهیز از هر زشتی و کژی در فکر و کردار و صفات است که از معرفت الهی سرچشمه می‌گیرد.^۳ مؤمنان برای رسیدن به چنین هدف مهمی، باید خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان غرق جلوه نور ایزدی شود و همه چیز را جلوه او دیده و جز یاد او، سخن دیگران در نظرشان بی‌لطف و جاذبه شود؛ در این صورت غیب را چونان شهود دیده و از صفای روحانی عالم معنا، ایمانی خالصانه را درک می‌کنند که شك و تردید با آن بیگانه است. کمال معرفت و آشنایی با حقایق، آنان را به مرحله عالی خشیت نائل می‌کند. آن‌ها از کوتاهی در انجام وظیفه هراس دارند؛ زیرا آن‌کس که به خدا نزدیک‌تر است و به عزت و قدرت بی‌پایان او بیشتر آگاهی دارد، ترسش از خدا فزون‌تر است و در انجام وظیفه، شکیباتر. شوق دیدار محبوب، دل‌هایشان را به وجد آورده و در اشتیاق وصل او، شب و روز نمی‌شناسند. طبق روایت مفضل، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام انتظار امام غایب را نشانه نزدیکی به خداوند دانسته، می‌فرماید:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ وَ لَا مِيثَاقُهُ فَعِنْدَهَا تَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً».^۴

دلبستگی به خدا که سرسلسله ارزش‌هاست با بندگی خدای سبحان و سرسپردگی کامل در اندیشه و عمل در برابر خدا، از رذایل اخلاقی پاک و به فضایل انسانی آراسته شدن می‌باشد؛ در

۱. ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۱، ص ۵۰۹.

۲. رضوانی، دین‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و وَجَاءَ الشَّرِيفُ، ص ۱۰۶.

۳. الهامی‌نیا، نهضت انتظار و انقلاب اسلامی، ص ۱۴.

۴. طوسی، الغیبة، ص ۴۵۷.

این صورت تربیت اخلاقی در اثر بندگی خدا حاصل شده و به دنبال خود، دلبستگی به کمال و زیبایی و عدل و برابری و گذشت و فداکاری و افاضه و خیررسانی در انسان به وجود می‌آورد.

ب. معرفت به امام

شناخت امام اهمیتی ویژه دارد و امری واجب برای هر شخص مؤمن و متدین و زمینه‌ساز بینش عمیق در دین و منش درست و پسندیده در زندگی است. امام پیشوا و راهنما و راهبر انسان‌ها به سوی تکامل و تعالی و حجت و خلیفه خدا بر روی زمین است و مقامی بس والا در میان آفریده‌های خداوند دارد. با توجه به نقشی که امام در کمال بشر و سیر او به سوی خدا دارد، در روایتی تکلیف منتظران به شناخت امام و تسلیم دانسته شده است: «إِنَّمَا كَلِّفَ النَّاسَ مَعْرِفَةَ الْأَئِمَّةِ وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ فِيمَا...»^۱.

در وجوب معرفت امام برحسب حکم عقل و شرع، جای هیچ‌گونه تردید و شبهه‌ای نیست؛ زیرا معرفت، مقدمه اطاعت است که واجب است، و بدون وجوب آن، اطاعت و نصب امام بیهوده خواهد شد.^۲ در نهج البلاغه چنین آمده است: وارد شدن به بهشت، منوط به شناخت امامان و ورود به آتش نیز دائر مدار انکار آن‌ها است. امیرالمؤمنین ع در این باره فرمود: «إِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قُؤَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ»^۳.

شناخت امام زمان دارای مراتبی است که در زدودن غبار جاهلیت از مسلمانان تأثیری خاص دارد. این مطلب دارای چنان اهمیتی می‌باشد که مردن بدون شناخت امام زمان، با مرگ جاهلی برابر است. پیامبر اکرم ص می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۴. در واقع پیامبر اکرم ص با اضافه کردن کلمه امام به کلمه زمان، ضرورت وجود امام را در هر عصر و زمانی اعلام فرمود و چنین کلامی جز بر امامان معصوم شیعه که آخرین آن‌ها حضرت حجة بن

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۹.

۳. شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۲۱۲.

۴. ابن بابویه، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

الحسن العسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ است منطبق نمی‌شود. همچنین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اضافه کردن کلمه «میتة» به کلمه «جاهلیة»، مرگ بدون شناخت امام را مرگ جاهلی توصیف فرمود. معلوم می‌شود که این امام، شخصی عادی نیست؛ بلکه مانند پیامبر از عالی‌ترین درجه علمی و عملی برخوردار، و رابط میان خلق و خالق است که شناختن او همچون شناختن پیامبر، موجب گمراهی خواهد شد.^۱

طبق فرموده امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ با داشتن معرفت به امام زمان، تقدم یا تأخر و سیر حرکت کند یا تند ظهور، به منتظر ضرری نمی‌رساند: «يَا فَضِيلُ اعْرِفْ اِمَامَكَ فَاِنَّكَ اِذَا عَرَفْتَ اِمَامَكَ لَمْ يَصُرْكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْاَمْرُ اَوْ تَاَخَّرَ وَ مَنْ عَرَفَ اِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ اَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْاَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِيَوَائِهِ».^۲

معرفت به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ در زمان غیبت، معرفت و شناخت صرف نیست؛ بلکه فراتر از شناخت، مدخلیت در ایمان و گرایش به آن نیز خواهد داشت؛^۳ از این رو بین شناخت و درک یک امر، با ایمان به آن تفاوتی عمیق وجود دارد. اگر امری مورد پذیرش عقل و فکر انسان قرار گیرد، معرفت و شناخت حاصل شده است؛ اما اگر از این مرحله فراتر رود و این معرفت در قلب انسان رسوخ کند، ایمان حاصل شده و گرایش‌های انسان با آن همسو می‌شود. شهید مطهری می‌گوید: «ایمان یعنی اعتقاد و گرایش. ایمان یعنی مجذوب شدن به یک فکر و پذیرفتن یک فکر. مجذوب شدن به یک فکر دو رکن دارد: یک رکنش جنبه علمی مطلب است که فکر و عقل انسان بپذیرد؛ یک رکن دیگر، جنبه احساساتی آن است که دل انسان گرایش داشته باشد».^۴

ایمان به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ چنان اهمیتی دارد که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «المهدي من

۱. فقیه ایمانی، مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه، ص ۷.

۲. ای فضیل، امام خود را بشناس. همانا هنگامی که امام خود را شناختی، هیچ آسیبی به تو نخواهد رسید از اینکه امر ظهور جلو بیفتد یا اینکه عقب بیفتد. هر کس که امام خویش را شناخت و آن‌گاه پیش از آنکه صاحب الامر قیام فرماید از دنیا رفت، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت حضور پیدا کرده است. نه؛ بلکه بسان کسی است که زیر پرچم او حاضر شده باشد. (نعمانی، الغیبة، ص ۳۲۹؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱).

۳. خراسانی، مهدی منتظر، ص ۶۵.

۴. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۲۴۷.

ولدي الذي يفتح الله به مشارق الأرض و مغاربها، ذاك الذي يغيب عن أوليائه غيبة لا يثبت على القول بإمامته إلا من امتحن الله قلبه للايمان»^۱. در جای دیگر می فرماید: «أَنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ يَتَقِينَنَّا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمْتُوا بِسَوَادٍ فِي بِيَاضٍ»^۲. این ها منتظرانی هستند که معجزات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام را ندیده اند؛ ولی به چنان باوری رسیده اند که ظلمت ها رهایشان کرده، معرفت در وجودشان جاری و حکمت در قلبشان پدیدار می شود.

وظیفه ای که منتظران در برابر امام و مقتدای خویش دارند، معرفت و شناخت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است؛ معرفتی که منتظر با آن بتواند حق منتظر را ادا کند. در چنین صورتی منتظر به مقام و منصب رهبر و مقتدای خویش پی برده است.^۳ و بینشی عمیق و انگیزه ای برای سیر و حرکت در این مسیر در منتظران ایجاد می کند؛ به گونه ای که معرفت امام و برقراری پیوند عاطفی با آن حضرت، الگوی تربیتی و اخلاقی منتظران خواهد بود. شخص منتظر، می کوشد هر چه را در تضاد با اعتقاد قلبی می بیند، رفع و دفع کند؛ بنابراین در این دوران که عصر امامت آخرین حجت خدا، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است، شناخت آن حضرت بر همگان لازم است. ضروری است که اهل ایمان همه تلاش خود را برای گسترش و تعمیق معرفت خود به ایشان کنند که این حالت، به مراقبت دائمی از اعمال منجر می شود.

۱. مراقبت دائمی

معرفت به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام منجر به مراقبت دائمی اخلاقی خواهد شد؛ زیرا منتظر، یقین دارد که امام به عنوان خلیفه الله، به همه عوالم هستی عالم است. علم امام به همه عوالم، شامل علم او به اعمال و رفتارها، بلکه نیت های انسان ها می شود؛ اما در قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان شاهد اعمال معرفی می شوند: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ

۱. کورانی، المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدي عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۲۸۶.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۳. امامی کاشانی، گفتمان مهدویت، ص ۲۴۷.

المُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ». ^۱ این آیه شریف، رسول خدا ﷺ و مؤمنان را شاهد بر اعمال معرفی می‌کند و اطلاع مؤمنان (ائمہ اطهار علیهم السلام) از اعمال، در روز قیامت نیست؛ چرا که ادامه آیه «سَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ» دلالت دارد که رؤیت رسول اکرم ﷺ و مؤمنان پیش از بعث و قیامت و مربوط به دنیا می‌باشد. ^۲ امام صادق علیه السلام نیز به همین مسئله اشاره فرموده است: «تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أَبْرَارُهَا وَ فُجَّارُهَا فَاحْذَرُوهَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ؛ وَ سَكَتَ». ^۳ نکته قابل توجه در عرضه اعمال این است که در اولین مرحله به امام معصوم هر زمان صورت می‌گیرد. در زمان غیبت نیز عرضه اعمال به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز خواهد شد: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ [أَمْرًا] عَرَضَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ [وَ سَائِرِ الْأُمَّةِ] وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى [أَنْ] يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الدُّنْيَا وَ إِذَا أَرَادَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ يَرْفَعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَمَلًا عَرَضَ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ ثُمَّ [يَخْرُجُ] عَلَى وَاحِدٍ [بَعْدَ] وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يُعْرَضَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ يُعْرَضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا نَزَلَ مِنَ اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ وَ مَا عَرَجَ إِلَى اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ وَ مَا اسْتَعْنَوْا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ طَرْفَةً عَيْنٍ...». ^۴ توجه به اینکه امام به اذن الهی به همه زوایای وجودی ما علم دارد، سبب می‌شود به اندازه درجه معرفتی که به امام یافته‌ایم، به حیات طیبه رهنمون گردیم؛ ^۵ از این رو میان «انتظار» و «عمل مورد پذیرش منتظر» تلازم منطقی وجود دارد و در غیر این صورت، «انتظار» امری بی‌معنا خواهد بود. ^۶

اگر منتظر پیوسته مراقب مجموعه گفتارها و رفتارهایش باشد و موردی برخلاف رضای محبوبش از او صادر نشود و این مسئله به پالایش درونی و صفای باطنی او بینجامد، به‌گونه‌ای

۱. بگو: [به جای حرف] به عمل کوشید که خدا و پیامبرش و مؤمنان کردار شما را خواهند دید و به‌زودی به پیشگاه خدای دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید و شما را به آنچه می‌کردید آگاه می‌سازد (توبه، ۱۰۵).

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۳۷۹.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. طوسی، الغیبة، ص ۳۷۸.

۵. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۳۲-۴۴.

۶. مؤسسه فرهنگی انتظار نور، گفتمان مهدویت، ص ۱۳۹.

که در پرتو چنین مراقبه‌ای، قابلیت ارتقا یابد، هدف تربیت اخلاقی محقق می‌شود. این هدف، ناظر به این است که عامل نظارت و کنترل فرد، باید قبل از هر چیز، جنبه درونی داشته باشد، نه بیرونی؛ زیرا عوامل بیرونی از برخی آفات عمل همچون تظاهر، ریا و گسیختگی و انقطاع عمل مصون نیست؛ اما وضعیت درونی، از استمرار، دوام، عمق و اخلاص ویژه‌ای برخوردار است و رفتار فرد را در راستای اهداف معینی جهت می‌بخشد. در این صورت، ارزش عمل، وابسته به رضای حق و تأیید امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ و حضور حضرت است و ثمره آن، منتظرانی هستند که در نیت و عمل، خالص بوده، هرگز لحظه‌ای از وارسی اعمال خویش غفلت نمی‌کنند.

ج. معرفت به جایگاه امام در هستی

برای تربیت اخلاقی در عصر غیبت لازم است به جایگاه امام در هستی، معرفت صحیح بیابیم و سپس بر مبنای آن عمل کنیم. جایگاه امام دارای چنان اهمیتی است که عصاره انبیا و خلاصه رسولان بیان شده است: «سَلَاةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَشْرَةَ خَيْرِ رِبِّ الْعَالَمِينَ»^۱. اوصافی که در این زیارت برای اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آمده، به ترتیب اهمیت است؛ چنانکه سلالة الانبیاء و صفوة المرسلین بودن، برای امامت و جانشینی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سکان دار هدایت بشری بودن کافی نیست؛ بلکه «خیرة رب العالمین» برگزیده پروردگار^۲ بودن، شرط است؛^۳ از این رو امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ به عنوان برگزیده از مرسلین که مقامی بالاتر از انبیا دارند و در نهایت به عنوان فرزند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که برترین و بالاترین مخلوق است، معرفی شده و این، جایگاه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را بیان می‌کند. این جایگاه به عنوان تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در يك کلام «حجّت خدا» بر روی زمین مطرح است؛ حجتی که تأثیر او در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی‌شود و وجود او در لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد.^۴

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ خطاب به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ عرضه می‌دارد: «اَكْفِيَانِي فَاَنْكُمَا

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۹۳.

۲. جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۱۲-۳۱۵.

۳. شفیع‌ی سروستانی، معرفت امام زمان و تکلیف منتظران، ص ۸۷.

كَافِيَايَ وَ انْصُرَانِي فَاتَّكَمَا نَاصِرَايَ»؛^۱ یعنی شما دو نفر مرا کفایت و یاری کنید.^۲ نصرت از جانب خداوند متعال است و نیز خداوند متعال انسان را کفایت می‌کند؛ ولی از آن جا که عالم، عالم اسباب و مسببات است و فیض الهی از کانال اسباب ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به عالم دنیا می‌رسد، جایگاه امام در هستی، واسطه فیض الهی و رابط خالق و خلق است؛ یعنی مخلوقات، روزی خوار نعمت‌هایی هستند که خداوند برای آنان به یمن وجود مبارک امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى مقدر فرموده است: «وَيُؤْتِيهِ رِزْقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ».^۳ امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى در بخشی از تویق مبارک به شیخ مفید فرمود: «فَاتَّأ نَحِيْطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَحْبَابِكُمْ... إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ».^۴ زمین به سبب ایشان از بلاهای آسمانی در امان می‌ماند و در پرتو وجود حضرت، خداوند به بندگانش نعمت می‌دهد.

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ خُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَ أَمَنَّاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ وَ نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ بِنَا يُنْسِكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْ تَزُولَا وَ بِنَا يُنْزَلُ الْعُنَيْتَ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ وَ لَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ».^۵

هرگاه مضامین بلند روایت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در معرفی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى برای منتظران روشن شد و منتظران همه برکات آسمان و زمین را از یمن وجود امام دانستند و هدایت‌های ظاهری و باطنی خدا را در پرتو امام معصوم باور کردند، به منزلت و جایگاه رفیع امام پی‌برده، در راه رضایت و خشنودی ایشان با استواری حرکت می‌کنند. منتظران هرچه در این مسیر بیشتر حرکت کرده، بر سرعت و توان خود بیفزایند، تربیت اخلاقی حاصل شده و زودتر به آرزوی دیرینه خود (ظهور حضرت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى) خواهند رسید.^۶ در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «بِكُمْ فَتَحَّ

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۵.

۲. رضوانی، دین‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى، ص ۱۱۰.

۳. نیلی نجفی، منتخب الانوار المضيئة، ص ۸.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۵. ابن بابویه، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۶. مؤسسه فرهنگی انتظار نور، گفتمان مهدویت، ص ۲۵۱.

اللَّهُ وَبِكُمْ يَحْجُمُ وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُنْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ
الْهَمُّ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَّلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ»^۱.

در دنیای امروز شناخت جایگاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف چنان شوقی در منتظران ایجاد می‌کند که امام را راهنما و هدایتگر خویش می‌دانند که آن‌ها را تنها نگذاشته و واسطه فیض الهی است. در هر صورت حجت خدا در زمین واسطه میان جهان مادی و عالم وحی است که موجب ماندگاری هستی و رسیدن انسان به هدف نهایی می‌شود.

نتیجه‌گیری

خداوند بندگان را جز برای شناخت خود نیافرید و شناخت خداوند جز با شناخت مظاهر هستی میسر نیست. برترین این مظاهر، امام است که گاه در قالب رسول که او هم امام است ظهور می‌یابد و گاه مظهر آن، امام بعد از نبی است. اینک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف جلوه تام و تمام حق است؛ به گونه‌ای که هر کس خدا را شناخت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شناخته و با شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حجت خدا را می‌شناسد و از دین گمراه نمی‌شود. لازمه شناخت خدا، تربیت ایمانی و عبودیت منتظران است؛ زیرا هرگاه روح اعتقاد توحیدی در جان انسان مستقر شود، افکار و اخلاق را متناسب با خود، متحول و بازسازی می‌کند. همه فضایل، مولود مستقیم و غیرمستقیم معرفت به خدا است؛ از این رو شناخت خدا همان شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌باشد و با این شناخت به وجود امام و خالی نبودن زمین از حجت الهی و واسطه فیض الهی زمینه‌ساز گرایش و همسویی و همراهی حضرت در منتظران به وجود می‌آید. با این گرایش، تربیت اخلاقی حاصل می‌شود؛ زیرا آن حضرت رابطه خالق و خلق است و زمین به سبب ایشان از بلاهای آسمانی در امان می‌ماند و در پرتو وجود حضرت، خداوند به بندگان نعمت می‌دهد.

۱. ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵.

منابع

*قرآن کریم

۱. آقابخشی، علی، افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، چاپار، تهران، ۱۳۷۶.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، محقق: هاشم حسینی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸.
۳. _____، مصحح: عبدالله طهرانی، علی احمد ناصح، مؤسسة المعارف الاسلامیة، قم، بی تا.
۴. _____، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵.
۵. _____، من لایحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، ۲ جلد، قم، ۱۴۱۳ق.
۶. _____، کمال الدین وقام النعمة، محقق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، ۲ جلد، تهران، ۱۳۵۹.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالاعمال الحسنة، محقق: جواد قیومی اصفهانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میردامادی، دارالفکر، ۱۰ جلد، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۹. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، بنی هاشمی، ۲ جلد، تبریز، ۱۳۸۱.
۱۰. امامی کاشانی، محمد و دیگران، گفتمان مهدویت، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
۱۱. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، سخن، ۴ جلد، تهران، ۱۳۸۶.
۱۲. باقری، خسرو، آسیب های تربیتی مهدویت در برترین فرهنگ مهدویت در مطبوعات، بی نا، بی جا، ۱۳۸۰.
۱۳. جمعی از نویسندگان، نهضت انتظار و انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
۱۴. جواد آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، تحقیق: محمدحسن مخبر، اسراء، قم، ۱۳۸۷.
۱۵. _____، مراحل اخلاق در قرآن، اسراء، قم، ۱۳۸۱.
۱۶. حسینی تهرانی، سید محمدحسین، رساله لب اللباب، محقق: هادی خسروشاهی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹.
۱۷. حیدری کاشانی، محمدباقر، سلوک مهدوی، سبط النبی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۸.
۱۸. خراسانی، محمدجواد، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریح، مشهد، نورالکتاب و ضامن آهو، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، ۸ جلد، تهران، ۱۳۷۷.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دارالعلم - الدارالشامیه، بیروت - دمشق، ۱۴۱۲ق.

۲۱. رضوانی، علی اصغر، *دین‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*، دلیل ما، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸.
۲۲. سلیمیان، خدامراد، *فرهنگ‌نامه مهدویت*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، ۱۳۸۸.
۲۳. _____، *پیرمان مهدویت*، شباب الجنة، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۵.
۲۴. سیف، علی اکبر، *تغییر رفتار و رفتار درمانی؛ نظریه‌ها و روش‌ها*، دوران، تهران، ۱۳۹۱.
۲۵. شبر، عبدالله، *الاخلاق*، مکتبه العزیزی، قم، ۱۳۷۴.
۲۶. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، محقق: صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۷. شفیع سروستانی، ابراهیم، *معرفت امام زمان و تکلیف منتظران*، موعود عصر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۷.
۲۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *منتخب‌الاثار*، مؤسسه السیده المعصومه علیها السلام، قم، ۱۴۱۹ق.
۲۹. صدری، افشار، *فرهنگ فارسی/امروز*، کلمه، تهران، ۱۳۷۳.
۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان*، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۹ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ق.
۳۱. _____، *المیزان*، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۰ جلد، چاپ پنجم، قم، ۱۴۱۷ق.
۳۲. طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبه*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
۳۳. عالم‌زاده نوری، محمد، *راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۶.
۳۴. عاملی، ابراهیم بن علی، *کفعمی، البلد الامین*، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۳۵. فقیه‌ایمانی، مهدی، *مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه*، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۵.
۳۶. کریمی، عبدالعظیم، *مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک با تأکید بر رویکردهای تحولی*، عابد، تهران، ۱۳۸۵.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۸. کورانی، علی، *المعجم الموضوعی لأحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*، دارالمرتضی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۳۰ق.
۳۹. گروه نویسندگان، *فلسفه تعلیم و تربیت*، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۴.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، محقق: محمدباقر محمودی، عبدالزهراء علوی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۴۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلد، تهران، ۱۳۶۸.
۴۲. مطهری، مرتضی، *فلسفه اخلاق*، صدرا، تهران، ۱۳۸۶.
۴۳. _____، *مجموعه آثار*، صدرا، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۷.

۴۴. مؤسسه فرهنگی انتظار نور، *گفتمان مهدویت (سخنرانی‌های گفتمان سوم و نهم)*، بوستان کتاب، چاپ سوم، قم، ۱۳۷۸.
۴۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷.
۴۶. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، *منتخب الأنوار المضيئة*، مصحح: عبداللطیف حسینی کوهکمری، مطبعة الخيام، قم، ۱۳۶۰.
۴۷. واسطی، عبدالحمید، *نگرش سیستمی به دین*، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد، ۱۳۸۸.
۴۸. یزدی حائری، علی بن زین العابدین، *النظام الناصب*، محقق: علی عاشور، مؤسسه الأعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

فصلنامه

۴۹. احسانی، محمد، *زمینه سازی تربیتی مهدویت*، معرفت، ش ۱۶۰، فروردین ۱۳۹۰.
۵۰. دیبا، حسین، *حکومت دینی و آسیب شناسی کارآمدی آن در عرصه تربیت اخلاقی جامعه*، معرفت، ش ۶۷، ۱۳۹۲.
۵۱. همت بناری، علی، *تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن*، روان شناسی و علوم تربیتی، ش ۲، ۱۳۷۹.